

نباشند و حتی پیر محمد سومی نیز سراغ دارم که یک نسخه همسۀ نظامی بقلم کتابت نستعلیق متوسط، بخط او در کتابخانه مدرسۀ سپهسالار است و چنین رقم و تاریخ دارد: «... علی ید اقرار العباد پیر محمد کاتب ولد محمد حافظ، غفر ذنوبه...» بتاریخ اول جمادی الاول سنه ۱۰۰۶ که مشکل بنظر میرسد شاگرد میر علی بیس از پنجاه سال پس از مرگ وی زیسته باشد و آثار پیر محمد، شاگرد میر علی، دیده ام: یک نسخه ظفر نامه هاتفی، بقلم کتابت متوسط، با رقم: «کته العبد الفقیر پیر محمد الکاتب» که برای فروش، عرضه شده بود؛ یک قطعه بقلم سه دانگ جلی متوسط، با رقم: «سهقه العبد پیر محمد» در درمقی از کتابخانه دانشگاه استانبول.

ت

تجربید = محمد شریف

تجمل حسین خان (۱۷۱)

فرزند تفضل حسین خان کشمیری و شاگرد حافظ ابراهیم و پدرش حافظ نورالله است. هنگامی که تفضل حسین خان از لکنهو به کلکته مهاجرت کرد، وی در لکنهو ماند و مقیم شد و با شغل کتابت وجه معاش فراهم کرد. ظاهراً کتاب «جنان الفردوس» تاریخی که میرزا محمد یوسف، تألیف کرده و ناتمام مانده بود، تجمل حسین خان، با تمام رسانیده است. وفاتش را سال ۱۲۴۴ ضبط کرده اند.

از آثار خطوط وی دیده ام:

دو قطعه بقلم سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش در موزۀ باستان شناسی دهلی، قطعه ای، در ضمن یک مرقع، از کتابخانه بادلیان، که از روی یک عریضۀ عبدالرشید دیلمی، نقل کرده و خوش نوشته است.

تجسین = محمد عطا حسین خان

ترا با = ابوتراب اصفهانی

تقی - میرزا (۱۷۲)

نواده آقا شاه علی است که در اوایل جلوس شاه عباس بزرگ مستوفی الممالک بود. خود وی از منشیان مقرر بود و شعری گفت و نستعلیق را خوش می نوشت و در این خط شاگرد میر عماد بود. میرزا سنگلاخ گوید که خود وی سمت مستوفی الممالک را داشت و او عم میرزا یحیی اصفهانی خوشنویس بود. مدتی وزارت لاهیجان

داشت و بعد وزیر اصفهان شد و بعد مستوفی قورچیان گردید و در همان شغل بود تا درگذشت.

(۱۷۳) تقی مروارید - میر

در صبح گلشن آمده است که از اهل کاشان بود و از وطن خود به هندوستان رفت و تا آخر عمر درد کن ماند. نستعلیق را خوش می نوشت.

(۱۷۴) تقی خان - میرزا

فرزند حاجی میرزا محمد خان مجد الملک، در ببادی زندگی مشغول تحصیل علوم ادبی از نظم و نثر گردید. هنگامی که مدرسه مشیریّه بریاست صنیع الدوله در تهران تشکیل شد، در آن مدرسه به تحصیل علوم جدید پرداخت. در روزنامه شرف آمده است که بسال ۱۲۹۱ پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگستان، بمنصب پیشخدمتی همایونی نایل آمد و بسال ۱۲۹۴ سمت منشی مخصوص حضور، یافت و بسال ۱۲۹۹ بلقب مجد الملک مفتخر شد. بسال ۱۳۰۱ رئیس اداره وظایف و اوقاف گردید. در سفر خراسان ناصرالدین شاه همراه او بود و بسال ۱۳۰۳ بسمت وزارت وظایف و اوقاف مفتخر شد.

در المآثر والآثار آمده است که، وی از مردم نورمازندان بود و نسب خود را به ابوصات هروی میرسانید. شعری گفت و «عبری» تخلص می کرد. در نقاشی و نقاری و حکاکی دست داشت. از علوم معقول و منقول و بلاغت و انشاء و ریاضیات بهره مند بود. در زمان سلطنت مظفرالدین شاه بسمت منشی حضوری و وزارت وظایف و اوقاف برقرار بود. جز نستعلیق، خطوط دیگر مخصوصاً شکسته را بسیار خوش می نوشت. هنگام تألیف تذکره سپهر (سال ۱۳۲۰) هنوز می زیست.

(۱۷۵) تقی الدین محمد - سید

در مآثر رحیمی آمده است که، فرزند کوچک سید شریف قزوینی از بنی اعمام قاضی جهان سیفی قزوینی وزیر شاه طهماسب اول صفوی بود. سید شریف در اوائل عمر از قزوین به هندوستان رفت و بملازمت جلال الدین محمد اکبر پادشاه رسید و عزت و اعتبار یافت و هم در هندوستان درگذشت و دو پسر از خود گذاشت: سید تقی الدین محمد و جلال الدین محمد. و چون سید شریف با میرزا ابراهیم حسینی همدانی، رابطه دوستی داشت، پس از مرگ وی، میرزا ابراهیم فرزندانش را بهمدان خواند و در تربیت ایشان کوشید و تقی الدین را به امانی خود برداشت.

تقی الدین با مراقبت میرزا ابراهیم جامع علوم معقول و منقول و در خط نستعلیق از بی بدلان دوران خود و در موسیقی و خوشخوانی شهره گردید. بعدها بدربار ایران راه یافت؛ ولی مدت زمانی بر نیامد که در عنفوان جوانی درگذشت و جنازه او را بهمدان منتقل کردند و در مقبره سادات بنی حسن، بخاک سپردند.

(۱۷۶) تمکین کابلی

در آئین اکبری او را از خطاطان دوره اکبر پادشاه دانسته اند، که نستعلیق را خوش می نوشت.

تمنی = محمد کابلی

توحید = محمد اسماعیل بن وصال

(۱۷۷) تودرمل

هفت قلمی گوید که، از طایفه کهنتری هندوستان بود و بوسیله مظفرخان، بوزارت اکبر پادشاه رسید و مدت هفده سال در دربار وی می زیست و چهار هزار سوار داشت. همه خطوط را خوش و بانمک می نوشت و بسال ۹۸۹ یا ۹۹۸ درگذشت.

(۱۷۸) تولک باقی

از کاتبان گمنام قرن دهم است و بخط وی دیده‌ام:

یک نسخه دیوان جامی، بقلم کتابت متوسط، که بشیوه میرعلی هروی نوشته است و چنین تمام میشود: «کتبه العبد المذنب تولک باقی الکاتب در بلده فاخره بخاراحمیت عن الآفات والبلايا . به تربیت و اهتمام خواجه کمال الملة والدين حسين زرگر هروی ...»؟

یک نسخه نصایح السلاطین، که بنام سید ندر محمد خان تألیف شده است بقلم کتابت متوسط، با رقم: «قاضی تولک حافظ المشهور باند کانی» در کتابخانه فردوسی شهر دوشنبه جمهوری تاجیکستان.

(۱۷۹) تهور خان

در سلک امرای شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸) بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. در مرآة العالم آمده است که، خالی از سودائی نبود و حکایات شیرین از او نقل کرده‌اند، از جمله گویند که، روزی مجلسی بیاراست و جمعی را بفضیافت طلبید. رشیدای دیلمی نیز در آن مجلس بود. ناگاه تهور خان باشمشیر آخته، وارد مجلس شد و بر سر رشیدارفت و گفت شنیده‌ام که شاگردی مرا انکار می‌کنی. رشیدا بالعاج گفت چه می‌فرمائی؟- گفت در حضور اعزه بگواهی اینان خطی باعتراف شاگردی بنویس. رشیدا بلادرنک، خط اعتراف نوشت و از دستم ظرافت وی امان یافت.

ش

= مهدی حسینی

= حیدرعلی

نائب

نریا